

آنچه پیش از حادثه باید درباره محل زندگی تان بدانید
خروج ایمن از تله ساختمان



سعید جلائیان | هر چند نیروهای دفاعی و پدافندی در کنار نیروهای امدادی از جمله آتش نشانی و هلال احمر در آماده باش کامل هستند، اما در شرایط بحرانی و جنگی، هر خانواده برای پیشگیری از هرگونه پیشامد باید آماده باشد. بهتر است از همین الان کوله نجات را آماده کنید. این کوله باید شامل محتویاتی از جمله: آب، غذا، داروهای مورد نیاز، مدارک شناسایی و... باشد. این کیف را در محلی نزدیک به خروجی قرار دهید و محل قطع انشعابات گاز، برق و آب را به تمام اعضای خانواده آموزش دهید. اگر در نزدیکی محل سکونت شما انفجاری رخ داد، رعایت موارد پیش روی می تواند خانواده شما را از هر خطری حفظ کند.

● در زمانی که حادثه رخ داد و باید از منزل خارج شوید، تمل و توقف می تواند برای جمع آوری وسایل، شانس خروج امن را کاهش دهد. به جز کیف اضطراری زمان را برای برداشتن وسایل دیگری از جمله طلا، لب تاپ و... هدر ندهید.

● مهم ترین نکته برای خروج از منزل، این است که تحت هیچ شرایطی از آسانسور استفاده نکنید. حتی اگر آسانسور کار می کرد و برق وصل بود، نباید از آسانسور استفاده کنید. قطع ناگهانی برق یا کج شدن ریل های آسانسور در اثر لرزش، شما را در یک قفس فلزی حبس خواهد کرد. فقط از راه پله و پله های اضطراری استفاده کنید.

● حین خروج از راه پله باید بدانید نرده ها اولین بخشی از ساختمان هستند که آسیب می بینند و از هم جدا می شوند به همین دلیل حین پایین آمدن از طبقات تا حد امکان از نرده ها فاصله بگیرید اما به دیوارهای اصلی بچسبید.

● اگر هنگام خروج از ساختمان دود و گردوغبار غلیظی در محل وجود دارد به صورت چهار دست و پا حرکت کنید. هوا همیشه در نزدیکی زمین سالم تر است.

● نکته حیاتی باید تحت هر شرایطی پیش از خروج شیر اصلی گاز و فیوز برق را قطع کنید تا از وقوع آتش سوزی های احتمالی پیشگیری کنید.

● هم‌زمان با خانواده برای نقطه تجمع امن توافق کنید. با اعضای خانواده قرار بگذارید تا در صورت وقوع هرگونه حادثه از بازگشت به محل خودداری کنید و اگر از هم جدا شدید، یکدیگر را در کدام نقطه از محله ملاقات کنید. برای مثال بوستان های محلی یا حتی نانوایی می توانند مکان های امنی برای جمع شدن خانواده شما باشند.

کابل های سوخته، سارق را لو داد



سهیل دیبا | از لحظه ای که مأموران کلانتری خواجه ربیع، مردی را دیدند که کیسه سفید سنگینی به دوش می کشد، به او مشکوک شدند و او را زیر نظر گرفتند. افسران کلانتری چندین روز بود که به دنبال سارقی بودند که عامل خاموشی های بخش هایی از بولوار بهمن بود. این فرد باسرت کابل و سیم های برق، موجب شده بود تا برق این منطقه قطع شود. مأموران که پس از چند روز گشت زنی به این فرد مشکوک رسیده بودند، او را متوقف کردند. در بازرسی از کیسه او مقدار زیادی کابل و سیم سوخته کشف شد. با انتقال متهم به کلانتری، متهم در بازجویی های به عمل آمده به ۲۵ فقره سرقت کابل های برق در منطقه خواجه ربیع اعتراف کرد.

آتش سوزی در زندان گرمسار

ایلنا | عصر پنجشنبه گذشته زندان عمومی گرمسار دچار آتش سوزی شد. این حادثه حوالی ساعت ۱۸ رخ داد و با حضور نیروهای آتش نشانی، حریق مهار شد. این حادثه ارتباطی با فضای جنگی کشور نداشت و با مهار فوری آتش، تمام زندانیان در سلامت کامل به سر می برند و حادثه، تلفات یا مصدوم جانی در پی نداشته است. این آتش سوزی مربوط به داخل زندان بوده و علت آن در دست بررسی است.

پلیس ۲ سارق را از پشت بام ساختمان های مشهد پابین کشید

دزدی از بام آشنا!

سعید جلائیان

چند روز قبل مرد جوان در محل کارش بود که همسرش با او تماس گرفت و از شنیدن صداهایی از کانال کولر و پشت بام خبر داد. مرد در ابتدا این گمان که صداناشی از حضور همسایگانشان در مجتمع است، کوشید همسرش را آرام کند، اما اصرار زن جوان سبب بازگشت او به خانه شد. مرد جوان اگرچه از نبود مشکل در پشت بام مطمئن بود، اما برای اطمینان همسرش از پلکان ساختمان بالا رفت. او به محض رسیدن به روی بام متوجه بازبودن در پشت بام شد. ابتدا فکر کرد که حتما یکی از همسایگان روی بام است یا در را بازگذاشته است، اما با ورود به پشت بام متوجه شد که درپچه های چند کولر آبی باز است. مرد جوان این موضوع را به سایر ساکنان ساختمان گفت. با حضور همسایگان مشخص شد که درپچه های هر پنج کولر آبی باز شده و موتورهای آن ها به سرقت رفته است. اهالی ساختمان بلافاصله پلیس را در جریان سرقت قرار دادند. به دنبال اعلام این گزارش، رئیس کلانتری کوی پلیس با صدور دستورات تخصصی، تیمی از مأموران را برای رسیدگی این پرونده به محل اعزام کرد.

با حضور مأموران در محل، زن جوانی که متوجه حضور سارقان روی پشت بام مجتمع شده و شوهرش را به خانه کشانده بوده به مأموران گفت: حوالی ساعت ۱۰ صبح صدای دو مرد را شنیدم که از پله ها بالا می رفتند. بعد صدای باز شدن درپچه کولر

را شنیدم، برای همین بود که با شوهرم تماس گرفتم. من به او گفتم شخصی روی پشت بام است اما شوهرم از من خواست صبر کنم تا خودش به خانه بازگردد. با وجود اطمینان شوهرم، وقتی صدای راه رفتن را در راه پله شنیدم به شدت ترسیدم و با قفل کردن در آپارتمان به یکی از اتاق ها رفتم و پنهان شدم تا اینکه شوهرم رسید.

● چهره زنی با دوربین همسایه پس از ثبت اظهارات این زن، مأموران در تحقیقات میدانی متوجه یک دوربین مدار بسته شدند. دوربینی که در مجتمع مسکونی مجاور نصب شده بود. مدیر این مجتمع پس از اینکه در جریان دزدی از ساختمان همسایه اش قرار گرفت، تصاویر ضبط شده را روی یک فلش در اختیار تیم تحقیق گذاشت.

مأموران در بازبینی تصاویر ضبط شده از دوربین مدار بسته ساختمان کناری، موفق به چهره زنی متهمی شدند که با یک کیسه از این ساختمان خارج و سوار یک خودروی پراید شده بود. ۲۴ ساعت پس از قرار گرفتن تصویر متهم روی تابلوی متهمان تحت تعقیب در کلانتری کوی پلیس، شهروندی با مراجعه به این مقر پلیس، متهم را شناخت و آدرس خانه او را به مأموران داد. با راهنمایی این فرد، مأموران در یک عملیات ضربتی، متهم را در خیابان پروین اعتصامی رد زنی و با هماهنگی مقام قضایی دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند.

● دوستم مرا برای دزدی برد

متهم پس از دستگیری، منکر انجام هرگونه جرمی بود و مدعی بود که یک راننده عادی است. ادعایی که با نشان دادن تصویر خودش در کنار خودروی پراید در فیلم دوربین ها پایان یافت. متهم در نهایت با دیدن تصاویر، مجبور به اعتراف شد و گفت: تقصیر دوستم احمد بود. او همان شخصی است که چهره اش در فیلم مشخص است. او از من خواست تا ساختمان مورد نظر همراهی اش کنم. وقتی رسیدیم از بالای در وارد حیاط مجتمع شد و در را برایم باز کرد. او به من گفت که در حیاط منتظرش بمانم و خودش از پلکان مجتمع بالا رفت. احمد ۱۵ دقیقه بعد با یک کیسه حاوی

● مال خرامانت دارا

نکته درخور توجه، همدستی بود که یکی از مال باختمان او را به خوبی می شناخت و از آشنایانش بود. با همکاری این مال باخته مأموران متهم را دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند. متهم پس از رویارویی با مال باخته از عملکردش عذرخواهی کرد و از او خواست این ماجرا بین خود آن ها بماند. متهم در ادامه ضمن اعتراف به سرقت موتور کولرهای آبی گفت که اموال سرقتی را به یک مال خر در محدوده کوشش فروخته است. در ادامه رسیدگی به این پرونده، مأموران

تعدادی موتور کولر پابین آمد و با هم رفتیم.



به سراغ مال خری رفتند که در پوشش تعمیر لوازم صنعتی و سیم پیچی، اقدام به مال خری می کرد. پس از ورود مأموران به محل فعالیت مال خر، این فرد واکنشی شدید نشان داد، اما این قدرت نمایی کوتاه بود و مأموران او را دستگیر و به کلانتری منتقل کردند.

متهم با وجود کشف تعدادی از اموال سرقتی در مغازه اش، ادعا کرد که از دزدی بودن این اجناس اطلاع نداشته و متهم آن ها را نزد او به امانت گذاشته است. اما پس از اینکه شواهدی مبنی بر انتقال مبالغی پول بین او و متهم به دست آمد، او به همراه متهم اصلی پس از تکمیل پرونده برای طی مراحل قانونی به دادسرا منتقل شدند.



عکس خبر

صدای انفجار عبدالمطلب، حادثه بود

شهر آرا | در حالی ظهر پنجشنبه گذشته، شنیدن صدای انفجار در بولوار عبدالمطلب بازار شایعه پراکنی را داغ کرد و عده ای مدعی حمله دشمن به ساختمان های مسکونی مشهد شدند که با حضور آتش نشانان در عبدالمطلب ۳۸ مشخص شد این حادثه مربوط به انفجار یک گاز پیک نیکی در یک ساختمان بوده است. شدت این انفجار به حدی بوده که ساختمان های اطراف را هم تخریب کرده بود. آتش نشانان ایستگاه های ۱۰ و ۳۸ با بررسی حادثه متوجه شدند که این انفجار در طبقه دوم یک ساختمان رخ داده و بخشی از این ساختمان را تخریب کرده است. در این حادثه بر اثر سقوط مصالح به خیابان، یک رهگذر و سه نفر از ساکنان مصدوم شده بودند. مصدومان تحویل عوامل اورژانس شدند و آتش نشانان، محل را ایمن سازی کردند.

دستگیری سارقی که چشم خانه ها را کور می کرد!

چشمی دوربین مدار بسته و دو عدد شیر آلات اهرمی مسروقه کشف کردند. سکوت متهم در قبال این کشفیات منجر به انتقال او به کلانتری احمدآباد شد. بررسی های اولیه نشان داد که این فرد تبعه خارجی است. متهم در بازجویی های صورت گرفته و مواجهه با مستندات و ادله تصویری کشف شده، به ۱۰ فقره سرقت چشمی دوربین های مدار بسته و چهار فقره سرقت شیر آلات در معابر و اماکن عمومی اعتراف کرد. در ادامه برای این فرد پرونده ای تشکیل و متهم برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

این فرد بودند و بدون اینکه از خودرو پیاده شوند یا دستور توقف دهند، متوجه شدند که این فرد با دیدن خودروی پلیس قدم هایش تندتر شد و با رسیدن به اولین کوچه شروع به دویدن کرد. مأموران که متوجه حرکت مجرمانه این فرد شدند، به دنبال او رفتند. مرد جوان که سایه پلیس را پشت سرش می دید، کیسه برنج را رها کرد تا راحت تر فرار کند. مأموران در اقدامی ضربتی جلوی گریختن متهم را گرفتند و او را دستگیر کردند. هرچند این فرد ابتدا ادعا کرد که ترسیده و گریخته است، اما افسران پلیس در بازرسی از کیسه برنجی همراه متهم، چهار عدد

احمدآباد انجام شده بود، رسیدگی به پرونده به مأموران کلانتری احمدآباد سپرده شد. هم زمان با آغاز تحقیقات، مأموران متوجه شدند که تمامی سرقت های گزارش شده شب هنگام اتفاق افتاده اند. در ادامه، گشت زنی هفتمند شبانه در محدوده وقوع جرم در دستور کار مأموران کلانتری احمدآباد قرار گرفت. تلاش پلیس ادامه داشت تا اینکه چند شب پیش در ساعات پایانی شب و خلوتی معابر، یکی از گشت های پلیس متوجه تردد عابری شدند که یک کیسه برنجی همراهش بود. افسران کلانتری احمدآباد فقط در حال مشاهده

ابوعطا | شگرد عجیبی داشت. او به سراغ خانه هایی می رفت که دوربین مدار بسته داشتند و با شگرد مکارانه اش چشمی دوربین ها را سرقت می کرد. مرد جوان چنان در شگردش حرفه ای شده بود که شهروندان در لحظه متوجه سرقت نمی شدند و با این تصور که احتمالا دوربینشان خراب شده است، موضوع را به تعمیرکار خبر می دادند و پس از حضور تعمیرکار متوجه سرقت چشمی دوربین مدار بسته می شدند.

در این زمینه چندین شکایت به پلیس مشهد رسیده بود و باتوجه به اینکه این سرقت هادر منطقه

جدول ۴۵۱۰																																																																																																																															
شهر چاقو عصاره خار شتر	خطای تنیس کمان صورت	پول خارجی دلجوئی کافی	بازرگان شلوار لیفقه دار	زخم بند پوش پوش	درماتگاه ارتشی	بیشوند نداری ۳/۱۴	عریض سیمرغ	زائو تر سان خیالی آزاد	نژنده	نظرها و انتقادهای خود را در باره مطالب روزنامه با مادر میان بگذارید.						پایان ۴۵۰۹		زینت کتاب کتاب	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر ر ن ک ب خشن	ق ل ن ک ا ن د ف س ر